

بلاغت استفهام و معانی غیرمستقیم جملات پرسشی در تصویرسازیهای خسرو و شیرین

نظامی

شیرین فرامرزپور^۱، پوران یوسفی پور کرمانی^{۲*}، حمید طبسی^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

مهر ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۹، صص ۱۹۰-۱۷۱

DOI: 10.22034/bahreadab.2023.16.7044

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: کارکرد مجازی جمله‌ها و معانی ثانوی آنها یکی از مباحث مطرح در علم معانی است که در قالب پرسش بیان میگردد و با توجه به این نکته که جملات استفهامی، جملات انشایی محسوب میشوند، هدف و غرض از استفهام، کسب اطلاع و خبر میباشد. در بیشتر کتب بلاغی، سی‌ودو مورد غرض ثانوی برای جمله‌های استفهامی در نظر گرفته‌اند. هدف پژوهش آن است که مشخص گردد نظامی گنجه‌ای از طریق کاربرد پرسشهای بلاغی، بیشتر قصد بیان چه مفاهیمی داشته است؟

روش مطالعه: در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای انجام گرفته، اغراض ثانوی جملات استفهامی در منظومه خسرو و شیرین نظامی، بررسی و تحلیل شده است. **یافته‌ها:** در منظومه خسرو و شیرین ۴۴۶ مورد استفهام بلاغی به کار رفته است. کاربرد این حجم از پرسشهای بلاغی، بیانگر غنای مضامین و مفاهیم و ارزش بلاغی خسرو و شیرین است. **نتیجه‌گیری:** بیشترین سؤالات استفهامی خسرو و شیرین، متضمن معنای ضمنی عجز و بیان ناامیدی است و نظامی در شعر خود از تمام شگردها و قابلیت‌های زبانی در ساختار علم معانی بخوبی استفاده کرده و سخن را بگونه‌ای به این فن آراسته است که استفاده بهینه از علم معانی، باعث ماندگاری و تأثیرگذاری کلام و دل‌انگیزی منظومه خسرو و شیرین شده است.

تاریخ دریافت: ۰۵ مهر ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۰۴ آبان ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۲۰ آبان ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۰ دی ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

علم معانی، استفهام، اغراض ثانویه، خسرو و شیرین، تصویرسازی.

* نویسنده مسئول:

✉ Pooran.yusefipoor@yahoo.com

☎ ۰۳۳ ۳۴۳۸۰۰۳۳ (۳۴ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Interrogative rhetoric and indirect meanings of interrogative sentences in illustrations by Khosrow and Shirin of Nizami

Sh. Faramarzpour¹, P. Yousefipour Kermani*¹, H. Tabasi²

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Anar Branch, Islamic Azad University, Anar, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 27 September 2022

Reviewed: 26 October 2022

Revised: 11 November 2022

Accepted: 31 December 2022

KEYWORDS

science of meanings, questioning, secondary purposes, Khosrow and Shirin, illustration.

*Corresponding Author

✉ Pooran.yusefipoor@yahoo.com

☎ (+98 34) 34380033

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The figurative function of sentences and their secondary meanings is one of the topics discussed in the science of semantics, which is expressed in the form of a question, and considering the fact that interrogative sentences are considered essay sentences, the purpose of interrogatives is to obtain information and news. In most rhetorical books, thirty-two cases are considered as secondary objects for interrogative sentences. The aim of the research is to find out what concepts Nizami Ganjavi intended to express through the use of rhetorical questions.

METHODOLOGY: In this research, which was carried out using a descriptive-analytical method and a library tool, the secondary purposes of interrogative sentences in the poetry of Khosrow and Shirin Nizami were investigated and analyzed.

FINDINGS: It should be mentioned that 446 rhetorical interrogatives are used in the poetry of Khosrow and Shirin. The use of this volume of rhetorical questions shows the richness of themes and concepts and the rhetorical value of Khosrow and Shirin.

CONCLUSION: The results of the research indicate that most of the interrogative questions of Khosrow and Shirin contain the implicit meaning of helplessness and expression of despair, and Nizami in his poem has used all the linguistic tricks and abilities in the structure of the science of meanings well and has expressed his speech in such a way The art is decorated in such a way that the optimal use of the science of meanings has made the words of Khosrow and Shirin's poem lasting and affecting.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.7044](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.7044)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 12	 2	 0

مقدمه

واژه «تصویر» از دیرباز در میان علمای بلاغت، مطرح بوده است و نخستین کسی که آن را در مفهوم اصطلاحی به کار برد، جرجانی است. تصویرگری در نظر منتقدان غربی، معادل «ایماژ» به معنی بدل، کپی، عکس، سایه، شکل و غیره است. این کلمه در رایجترین کاربرد، عبارت است از هرگونه تصرف خیالی و این تعریف هم در بلاغت سنتی و هم در نقد ادبی جدید، پذیرفته شده است. بلاغت تصویر به بررسی تصاویر در سبکهای گوناگون ادبی میپردازد و با توجه به اینکه تصویر و خیال، عناصر اصلی شعر هستند، بدون این عنصر مؤثر از شعر، فقط کلامی موزون و ساده باقی میماند. به همین سبب مهمترین عملکرد بلاغت تصویر، بررسی دقیق ماهیت تصویر شعری است و شاعر میکوشد بوسیله تصویر به مخاطب در درک تجربیات خویش، یاری رساند؛ بنابراین نظامی در منظومه خسرو شیرین با رویکردی احساسی، تصاویر را همچون پلی برای انتقال عواطف شگرف انسانی قرار داده است؛ بگونه‌ای که این پل در کسوت بلاغی و بدیعی باید زیباترین و منسجمترین حالت را در جهت بیان مفهوم ایجاد کند تا در خواننده تأثیر بگذارد.

علمای علم بلاغت هدف اصلی ادبیات را «زیبایی‌آفرینی» و «تأثیرگذاری بر مخاطب» میدانند و این موضوع بویژه در علم بلاغت، مورد بررسی قرار میگیرد. یکی از ابزارهای این تأثیرگذاری، استفاده از ظرفیتهای سخن در انتقال معانی ثانوی به فراخور سخن و احوال مخاطب است و این موضوع در معانی ثانوی استغهام بخوبی مشاهده میگردد. نویسنده در این پژوهش با هدف بررسی پرسشهای بلاغی و معانی ثانوی و ضمنی آنها در منظومه خسرو و شیرین به این نتیجه رسیده است که بیشترین پرسشهای خسرو و شیرین، متضمن معنای عجز و بیان ناامیدی است و نظامی در شعر خود از تمام شگردها و قابلیت‌های زبانی در ساختار علم معانی بخوبی استفاده کرده و سخن خود را بگونه‌ای به این فن آراسته است که استفاده بهینه از علم معانی، باعث ماندگاری و تأثیرگذاری کلام و دل‌انگیزی منظومه خسرو و شیرین شده است.

روش مطالعه

از لحاظ روش، این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که با تجزیه و تحلیل محتوایی و فکری اثر، انجام شده است و از دیدگاه هدف، این پژوهش، بنیادی است و در جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها از روش اسنادی یا کتابخانه‌ای و از راه برگه‌نویسی، بهره برده شده است.

سابقه پژوهش

این پژوهش به بررسی بلاغت استغهام در تصویرسازیهای نظامی در خسرو و شیرین پرداخته است و تا کنون درباره این موضوع، تحقیقی صورت نگرفته و مقاله حاضر، نخستین پژوهشی است که در این خصوص انجام شده است. با وجود این پژوهشهای کمابیش مرتبطی در این زمینه وجود دارد که به برخی از آنها اشاره میشود. برات زنجانی (۱۳۷۷) در کتاب «صور خیال در خمسه نظامی»، صور خیال (بیان) را در پنج گنج نظامی استخراج و دسته‌بندی کرده است. کتاب حاضر، مجموعه‌ای از شرح و تفسیر اصطلاحات و تعبیرات ادبی است و این مطالب بمنظور تسهیل در درک مفاهیم آثار شعرا و نویسندگان ایرانی تدوین شده است. پارساپور (۱۳۸۳) در کتاب «مقایسه زبان حماسی و غنایی با تکیه بر خسرو و شیرین نظامی و اسکندرنامه نظامی» ضمن این مقایسه، عناصر صور خیال را در خسرو و شیرین نظامی همراه با رسم نمودار نشان داده و به بررسی ترکیب کنایه با تکرار، جناس

و تناسب پرداخته است و ترکیب کنایه با تکرار، جناس و تناسب را در فصلی با عنوان «کاربرد هنری کنایه در شعر نظامی» مورد توجه قرار داده است. فرزاد کتاب‌اللهی (۱۳۹۶) در کتاب «بیان در شعر و نثر فارسی» با ذکر شواهدی از خسرو و شیرین نظامی، موضوعات کتاب حاضر را به چهار فصل تقسیم کرده است. این موضوعات به ترتیب از مجاز که آغاز هر تحقیق ادبی است، شروع شده و بدنبال آن به تشبیه و استعاره و در آخر به کنایه پرداخته شده است.

اسکندرپور ایرندگان (۱۳۹۶) در مقاله «صور خیال در خسرو و شیرین نظامی گنجوی» درصدد برآمده است گوشه‌های از هنرنامه‌های نظامی را در عرصه علم بیان به نمایش گذارد. ارژنگ مدی (۱۳۷۱) در مقاله «بررسی صور خیال در هفت پیکر نظامی» به بررسی صور خیال (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) در هفت پیکر پرداخته است. ایزدیار، عبدی و قاسمی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به «بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره در پنج گنج نظامی گنجوی»، پرداخته‌اند. سیدمرتضی میرهاشمی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی نقش شیوه‌های بلاغی اقناع در ایجاد تعلیق در خسرو و شیرین نظامی» نخست به تعریف اقناع در علوم مختلف و نقش آن در تاریخ فلسفه و بلاغت پرداخته است و سپس با نگاهی گذرا به تعریف تعلیق، روشن ساخته که چگونه شگردهای بلاغی می‌توانند در خدمت تعلیق داستانی قرار گیرند. فاطمه اسفندیاری مهنی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی و تحلیل تقابلها از منظر علم معانی نحو در دو منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی گنجوی»، تقابل‌های هم‌جوار و ساختار نحوی ابیاتی را که شامل این هنر هستند، در دو منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی مورد تحلیل زیباشناسی قرار داده است.

منوچهر نصرتی (۱۳۷۵) در پایان‌نامه «بررسی صور خیال در منظومه خسرو و شیرین» که در دانشگاه علامه طباطبایی دفاع کرده، به بررسی صور خیال در منظومه عاشقانه خسرو و شیرین نظامی پرداخته است. محمدباقر علیزاده (۱۳۷۸) در پایان‌نامه «بیان در خسرو و شیرین نظامی» که در دانشگاه شیراز دفاع کرده، مفهوم هریک از گونه‌های مهم صور خیال را از حیث لغوی و اصطلاحی با ذکر اقسام مختلف هر یک تبیین کرده و در برخی موارد نیز آرای قدما را در این زمینه، مورد نقد و تحلیل قرار داده است. محمدرضا پورایرج (۱۳۷۶) در پایان‌نامه «عناصر صور خیال در خسرو و شیرین نظامی» که در دانشگاه یزد دفاع کرده است، ضمن توضیحی درباره زندگی و آثار نظامی، به بررسی عناصر صور خیال و بیان در خسرو و شیرین نظامی پرداخته است. امیر بهارلو (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «بررسی مبالغه در خسرو و شیرین نظامی و مقلدانش» که در دانشگاه زابل دفاع کرده، به بررسی مبالغه و اقسام آن در چهار مثنوی نظامی پرداخته است.

آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های یادشده می‌شود، این است که پژوهش‌های قبلی بطور کلی، در رابطه با خمسه نظامی یا منظومه خسرو و شیرین است؛ ولی تا کنون هیچ پژوهشی بطور ویژه در مورد بلاغت استفاده در تصویرسازی‌های نظامی در خسرو و شیرین، صورت نگرفته است.

بحث و بررسی

استفهام بلاغی: استفهام به معنای پرسیدن، در مواردی کاربرد دارد که گوینده از امری مطلع نباشد و به این وسیله بخواهد کسب اطلاع کند؛ اما گاهی معانی دیگری از آن استفاده می‌شود. «استفهام بلاغی یعنی سؤال کردنی که جواب آن با تکذیب و انکار همراه باشد. یکی از اغراض مهم پرسش در علم معانی، استفهام انکاری است. همانگونه که زبان شعر با زبان سخن معمولی متفاوت است، خواست و غرض گوینده نیز در کلام ادبی ممکن است

با گوینده سخن معمولی متفاوت باشد. بر این اساس اگر شاعری کلامش را بصورت پرسش درآورد، الزاماً قصد او دریافت جواب نیست، بلکه با نیت‌های فراوان ادبی، این کار را میکند که به آن سؤال بلاغی میگویند» (میرانیان، ۱۳۹۹: ۲۴).

جملات انشایی: واژه انشا در لغت به معنای ایجاد کردن و آفریدن است و مراد از خبر، جمله‌ای است که ذاتاً احتمال صدق و کذب در آن وجود دارد؛ یعنی میتوان آن را دروغ یا راست به حساب آورد. در کتاب *معالم البلاغه* در تعریف انشا آمده است: «انشا کلامی است که بالذات، محتمل صدق و کذب نیست» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۷۵)؛ بنابراین چون انشا، خبر از پدیده و حادثه‌ای در خارج نمیدهد، نمیتوان آن را راست یا دروغ به حساب آورد. مطابقت خبر با واقعیت خارجی به این معناست که جمله خبری از وقوع یا عدم وقوع امری در خارج خبر میدهد؛ در حالی که مطابقت نداشتن انشا، حکایت از وقوع یا لاوقوع امری در خارج نیست و جز با تلفظ به کلمات خاصه آن حاصل نمیشود؛ چنانکه طلب فعل «زدن» در لفظ «بزن» و طلب خودداری یا نهی از آن در لفظ «مزن» (رضانژاد، ۱۳۶۷: ۲۹۱).

علمای علم معانی، انشا را به دو نوع طلبی و غیرطلبی تقسیم کرده‌اند. مبحث انشای طلبی در کتابهای معانی، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ بطوری که مباحث گسترده‌ای درباره انواع آن بیان شده است؛ ولی با وجود اهمیت موضوع انشای غیرطلبی، علمای علم معانی، زیاد به آن نپرداخته‌اند و در آثار خود، فقط به انواع آن اشاره کرده‌اند. «در بیشتر متون بلاغی، منظور از بحث انشا، انشای طلبی است و انشای غیرطلبی را موضوع بررسی بلاغی نمیدانند. بعضی دلیل مهم تفکیک انشای غیرطلبی از انشای طلبی را «نخواستن و طلب نکردن» یا «طلب نکردن در وقتی که مورد طلب باشد دانسته‌اند» (رجایی، ۱۳۲: ۱۳۹۲)؛ اما مراد از انشای طلبی، خواستن چیزی است به ایجاب یا سلب، یعنی امر و نهی؛ و بر اساس نظر قدما، انشای طلبی شامل استفهام، امر، نهی، تمنی، ندا و دعا میشود.

جملات پرسشی: از انواع انشای طلبی، جملات استفهامی یا پرسشی است که به دلیل دارا بودن معانی ثانویه و همچنین اثرگذاری در روش انتقال معنی، مفهوم، احساس و عاطفه به مخاطب، از موضوعات مهم و اساسی در حوزه علم معانی محسوب میشود. در کتابهای بلاغت فارسی، تعاریفی درباره استفهام بیان شده است و در مواردی، واژه‌هایی که بعنوان الفاظ استفهام به کار رفته، همگی واژه‌های عربی میباشند. تعریف علامه همایی از جملات پرسشی نسبت به دیگر علمای معانی، روشنتر و رساتر است: «استفهام در حقیقت به معنای پرسیدن است در مواردی که گوینده، جاهل به امری باشد» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۵).

اگر سؤال در جمله، بمنظور درک و دریافت امر مبهم به کار رود، در آن صورت، آن جمله در معنی حقیقی خود استفاده شده است و موقعی که متکلم، در انتظار شنیدن پاسخ از سوی مخاطب خود نباشد، آن جمله در معنای ثانوی به کار رفته است. «این نوع پرسش را پرسش بلاغی یا هنری یا ادبی یا استفهام مجازی و یا استفهام در معنای ثانویه نیز مینامند» (کزازی، ۱۳۸۵: ۲۰۶)؛ «در این موارد پرسشگر نمیپرسد تا بداند، بلکه هدف اصلی کلام او شگفتی، توییح، سرزنش، استرحام، اندوه یا تمنی است. تنوع مقاصد ثانوی پرسش نشان میدهد گوینده از این طریق، بهتر و بیشتر میتواند پیام خود را ابلاغ و اندیشه‌های خود را القا کند» (آقاحسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

نظامی گنجه‌ای: نظامی از میان هنرهای بسیارش در شاعری، داستان‌سرایی را موضوع اصلی کار خود قرار داده است. او در قلمرو داستان‌سرایی، مانند فردوسی و سعدی به ایجاد و تکمیل روش خاصی توفیق یافت (صفاء، ج ۲، ۱۳۶۳: ۸۰۷). از میان داستانهایی که در خمسه او گرد آمده است، بهترین اثر او داستان خسرو و شیرین است.

«شیوه شخصیت‌پردازی او در این داستان بیانگر آن است که نظامی به خسرو و شیرین از همان منظری مینگرد که در تاریخ و افسانه‌ها به آن نگریسته شده است. او با تأمل بر این اشخاص، کوشیده است از آنها مثالی برای تمام روزگاران به وجود آورد. او در داستان خسرو و شیرین با استفاده از خصوصیات فردی و اجتماعی زندگی خسرو، نشان داده است که مرد با هر گذشته‌ای اگر صادقانه با طبیعت زنانه خود روبرو شود و عقل و عشق را در وجود خود آشتی دهد، در مسیر کمال قرار میگیرد و به قدر توان، مراتب کمالی را که شایسته آن است طی میکند. پس میتوان آن را به شخصیت‌های دیگر داستان هم تعمیم داد» (مرتضایی، ۱۳۹۸: ۴۴۴).

ادات استفهام در خسرو و شیرین: از مجموع ۴۴۶ جمله‌ای که در خسرو و شیرین به شکل پرسشی به کار رفته، پرکاربردترین جملات پرسشی، جمله استفهام انکاری ۳۳ مورد (۷/۴۶٪)، تحیری، تعجیزی، اعجابی و توییخی هرکدام ۳۱ مورد (۶/۹۵٪) است. در جملات پرسشی به کاررفته، ۱۳ ادات پرسش در جملات پرسشی خسرو و شیرین، به کار رفته است. «چه»، بیشترین ادات پرسشی و «که» کمترین ادات پرسشی است.

جدول بسامدی ادات استفهام در خسرو و شیرین، به ترتیب بسامد کاربرد

ادات	بسامد	درصد	ادات	بسامد	درصد
چه	۱۳۳	۲۹/۸۲٪	مگر	۱۶	۳/۵۸٪
چون	۸۹	۱۹/۹۵٪	چیست	۱۴	۳/۱۶٪
چرا	۴۸	۱۰/۷۶٪	کیست	۹	۲/۰۱٪
کدام	۳۹	۸/۷۴٪	چگونه	۸	۱/۷۹٪
کجا	۳۰	۶/۷۲٪	که	۵	۱/۱۲٪
کی	۳۰	۶/۷۲٪			
چند	۲۵	۵/۶۰٪		۴۴۶	۱۰۰٪

معانی ضمنی استفهام در شعر نظامی

استفهام انکاری: در این نوع استفهام گوینده پرسشی را مطرح میسازد که جواب منفی آن از قبل معلوم است و مخاطب بطور ناخودآگاه به آن پاسخ منفی میدهد؛ «در بسیاری از موارد، اغراض دیگری همچون استبعاد، تقریر، تعجب و شگفتی و... را نیز در پی دارد. در بعضی از منابع به پیروی از بلاغت عربی، استفهام را به دو نوع «تکذیبی» و «توییخی» تقسیم کرده‌اند» (احمدنژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۸). این غرض در خسرو و شیرین در ۳۳ مورد (۷/۳۹ درصد) به کار رفته است.

کبابی باید این خان را نمک‌سود مگس در پای پیلان کی کند سود؟
(خسرو و شیرین: ۳۲۳)

یعنی هیچ‌وقت امکان ندارد و نمیتوان از مگس زیر پای پیلان، کباب تهیه کرد.

معنی بیت: خوان خسروی تو کباب نمک‌سود لازم دارد و از لاشه مگسی که زیر پای پیل بماند، کباب نمیتوان ساخت.

کسی کاو را ز خون آماس خیزد کی آسوده شود تا خون نریزد؟
(همان: ۸۷)

در بیت فوق نظامی برای درمان آماس، فصد را تجویز کرده است. یعنی کسی که دچار مرض آماس شده است تا مقداری خون از بدنش بیرون نیاید، درمان نمیشود.

استفهام تحیری: در این نوع استفهام، غرض گوینده، بیان حیرت و سردرگمی خود از موضوعی است و شدت شگفتی و تعجب شاعر با طرح یک سؤال مطرح میشود. تجاهل‌العارف در کتب بلاغت، یکی از اغراضی است که از آن میتوان برای بیان اغراضی مانند تعظیم و حیرت بهره گرفت. این غرض در خسرو و شیرین ۳۱ مورد (۶/۹۵ درصد) به کار رفته است.

چه گویم چون شکر، شکر کدام است؟ طبرزد نه که او نیزش غلام است
(همان: ۴۷)

شاعر در مقام حیرت و سردرگمی میگوید من در توصیف شیرین حرفی برای گفتن ندارم و حیران شده‌ام. در بیت فوق، شاعر از جمال و زیبایی شیرین تعجب کرده و میگوید شیرین همانند شکر و حتی برتر و بالاتر از آن است.

نمیدانیم شاپورش کجا برد
چو شاهنشاه نفرمودش چرا برد؟
(همان: ۴۶)

خسرو با حیرت و تعجب میگوید ما نمیدانیم شاپور او را به کجا برده است و نمیدانیم چرا هنوز پادشاه دستور نداده است، او را بدون اذن پادشاه برده‌اند. در این بیت خسرو بعد از اینکه جانشین پدر شد، از اطرافیان جویای احوال شیرین شد، اطرافیان گفتند که ما اطلاعی از جایگاهش نداریم و اظهار بیخبری کردند.

استفهام تعجیزی: در این نوع استفهام، گوینده با بیان پرسش، قصد تأکید بر ناتوانی خود یا مخاطب نسبت به عمل یا اندیشه‌ای را دارد. این معنا نیز از فروع انکار به حساب می‌آید؛ زیرا انکار، معنی نزدیک به ذهن آن و معنی درماندگی و عجز، معنی فرعی آن است. این غرض در خسرو و شیرین ۳۱ مورد (۶/۹۵ درصد) به کار رفته است.

چرا باید که چون من سرو آزاد بود در بند محنت مانده ناشاد؟
(همان: ۳۱۵)

شیرین در پاسخ به خسرو میگوید که چرا شاهزاده‌ای آزاد همچون من، باید اینگونه گرفتار غم و درد و محنت باشد.

چرا گشتی درین بیغوله پابست
چنین نقد عراقی بر کف دست؟
(همان: ۳۷)

نقد عراقی، در سره و ناسره بودن ضرب‌المثل بوده و چون حکیم نظامی عراقی است، به دو مناسبت سخن خود را نقد عراقی مینامد. نظامی در بیت فوق، دنیا را به بیغوله‌ای همانند کرده است که همانند اسیر در آن گرفتار شده است. میگوید چرا تو در این دنیا، با وجود همه امکانات، اینگونه اسیر و گرفتار شده‌ای.

استفهام اعجابی: یکی از معانی مشترک پرسش هنری، تعجب و اظهار شگفتی است. در این نوع استفهام غرض گوینده، متوجه کردن مخاطب به تعجب و شگفتی خود و بیان تعجب خود از عظمت موضوع است. این غرض در خسرو و شیرین ۳۱ مورد (۶/۹۵ درصد) به کار رفته است.

شنیدم کآب خفتد زر شود خاک
چرا سیماب گشت آن سرو چلاک؟
(همان: ۸۶)

شاعر در این بیت با اشاره به یک اعتقاد قدیمی میگوید با آنکه زر در آب خفته ایجاد میشود، آن سرو چالاک (شیرین) در آب خفته سیماب شد و فرار کرد. در بین قدما مشهور بوده که زر در چشمه‌هایی که همیشه آبش یخ بسته در حوالی قطب تولید میشود.

چرا چندین وصال از دور بینیم؟ اگر نوریم تا در نور بینیم
(همان: ۱۳۲)

یعنی اگر ما در عاشقی، مانند نور پاک و روشن هستیم، باید در روشنی نور وصال از نزدیک همدیگر را ببینیم، نه در تاریکی فراق و دوری.

استفهام توییخی: در این نوع استفهام، گوینده در قالب سؤال و بطور غیرمستقیم بخاطر کار یا اندیشه‌ای که به نظرش زشت مینماید و باید از آن دوری کند، به توییخ و سرزنش مخاطب میپردازد. این غرض در خسرو و شیرین ۲۶ مورد (۵/۸۲ درصد) به کار رفته است.

مثال برای توییخ:

اگرچه دنبه بر گرگان تله بست به دنبه شیرمردی زان تله رست
چو پیه از دنبه زانسان دید بازی تو بر دنبه چرا پیه میگدازی؟
(همان: ۲۳۸)

نظامی میگوید: هرچند که دنبه فریب خسرو بر گرگی چون فرهاد، تله هلاک بست و شیرمردی چون خسرو از تله رقابت فرهاد آزاد شد؛ ولی عاقبت پیه غرور پادشاهی خسرو به کیفر دنبه فریب نهادن و کشتن فرهاد، از روزگار آن بازی را دید و به دست شیرویه کشته شد. تو از او عبرت بگیر و بر دنبه فریب، پیه غرور مگذار و فریب و غرور را با هم آمیخته و وسیله پیشرفت کار خود قرار مده.
مثال برای ملامت:

چو برج طالع نامد ذنبدار ز پس رفتن چرا باید ذنب‌وار؟
(همان: ۲۳۸)

شاعر در این بیت با کمک استفهام توییخی میگوید با توجه به اینکه طالع تو نحس نمیشد، پس خودت را پست قرار نده و برای خودت ارزش قائل شو؛ یعنی چون برج طالع تو که انسانی، ذنب نحوست و دنبه فریب دادن ندارد و در وجود تو، دم خلق نشده است؛ چرا از مرتبه آدمیت پست شده و ذنب‌وار در عقب میمانی؟

استفهام تجاهلی: در علم بدیع، تجاهل‌العارف در واقع نوعی اغراق است. در این غرض گوینده، تظاهر و وانمود به ندانستن میکند. در منابع بلاغی، در بدیع معنوی، بعنوان پرسش بلاغی به تجاهل اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین بیان تجاهل به شکل پرسش در مباحث معانی، موضوعی کاملاً نو و جدید است. این غرض در خسرو و شیرین ۲۶ مورد (۵/۸۲ درصد) به کار رفته است.

مگر ماه آمد از روزن درافتاد که شب را روشنی در منظر افتاد؟
(همان: ۳۶۲)

در این بیت نظامی در داستان سرود گفتن باربد، از زبان خسرو پرسشی تجاهلی مطرح کرده و اظهار نادانی نموده است.

معنی بیت: مگر ماه بجای شعاع و مهتاب از روزن به مشکوی ماه درافتاد که شب تاریک ما بدینگونه روشن منظر شد؟

مگر ماهی تو یا حور ای پرپوش که نزدیک نباشد آمدن خوش
(همان: ۳۰۷)

خسرو در ملاقات با شیرین میگوید که از بس زیبایی، من نفهمیدم که تو ماه هستی یا پری، زیرا من قادر به نزدیک شدن به تو نیستم.

استفهام تنبیهی: هشدار دادن به مخاطب و آگاه ساختن او از طریق پیامی که در آن زبان نقش ترغیب و برانگیختن مخاطب را دارد. این غرض در خسرو و شیرین ۲۲ مورد (۴/۹۳ درصد) به کار رفته است.

ولی باد از رسن پایت ربود است رسن بازی نمیدانی چه سود است
(همان: ۳۲۵)

شیرین به خسرو پاسخ میدهد که باد هوای دیگران پایت را از رسن زلف من ربوده و پرتاب شده‌ای. رسن باز ماهر باید بتواند بر چنین رسن راه برود و بازی کند. یعنی حالا که در کار عشق و عاشقی ماهر نیستی، مراقب خودت باش؛ زیرا ممکن است دچار بلا و گرفتاری بشوی.

چه میپچی درین دام گلوپیچ؟ که جوزی پوده بینی در میان هیچ
چو روباهان و خرگوشان منه گوش به روبه‌بازی این خواب خرگوش
بسا شیر شکار و گرگ جنگی که شد در زیر این روبه پلنگی
(همان: ۱۷۷)

جوز پوده، گردوی پوسیده بیمغز است؛ یعنی از دام گلوگیر دنیا که مانند گردوی پوسیده است دوری کن و مانند روباه و خرگوش، فریب روباه این دام را که خرگوش‌وار خفته است، مخور و بدان گوش نده؛ زیرا بسیار شیر شکاری و گرگ جنگی زیر سرپنجه این دام نابود شده‌اند.

استفهام استجلابی: در این نوع استفهام گوینده با طرح پرسش در پی جلب توجه مخاطب و آماده کردن او برای شنیدن پاسخ است تا موضوع موردنظرش را در نظر خواننده پراهمیت نشان دهد؛ بدینگونه شاعر پرسشی را بیان میکند تا طرف خطاب، آماده شنیدن بشود و سپس خودش جواب را در اختیار او قرار میدهد. این غرض در خسرو و شیرین ۲۱ مورد (۴/۷۰ درصد) به کار رفته است.

بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند؟ بگفت انده خرنده و جان فروشد
(همان: ۲۳۳)

خسرو از فرهاد میپرسد در سرزمین عشق، مردم چه پیشه و هنری دارند، فرهاد پاسخ میدهد در آنجا مردم غم عشق میخرند و جان میفروشند.

بگفتا هیچ همخوابیت باید بگفت ار من نباشم نیز شاید
(همان: ۲۳۵)

بگفت از دل شدی عاشق بدینسان بگفت از دل تو میگوی من از جان
(همان: ۲۳۴)

استفهام گلایی: در این نوع استفهام شاعر با بیان عاطفی به شکوه و شکایت میپردازد و گله خود را در رابطه با مخاطب، روزگار یا موضوعی خاص به شیوه غیرمستقیم و به شکل جمله پرسشی بیان میکند. این غرض در خسرو و شیرین ۲۱ مورد (۴/۷۰ درصد) به کار رفته است.

چه تلخی دید شیرین در من آخر چرا در بست از اینسان بر من آخر؟
(همان: ۱۰۲)

در این بیت خسرو از نگهبانهای قصر شیرین گلایه میکند که چرا شیرین اجازه ورود به قصر را به من نداد.
چرا چون گل زنی در پوست خنده؟ سخن باید چو شکر پوست‌کنده
(همان: ۶۸)

شاپور خطاب به شیرین میگوید چرا پنهانی به من میخندی و مرا مسخره میکنی؟ تو باید با من روراست باشی و روشن و واضح صحبت کنی و چیزی را از من پنهان نسازی.

استفهام نهی: در این نوع استفهام، گوینده بطور غیرمستقیم، مخاطب را از اندیشه یا عملی نهی میکند و برای بازداشتن مخاطب خود از امری، او را با یک سؤال مورد خطاب قرار میدهد و از انجام کاری باز میدارد. این غرض در خسرو و شیرین ۱۷ مورد (۳/۸۱ درصد) به کار رفته است.

مکن سودا که شیرین خشم ریزد ز شیرینی بجز صفا چه خیزد؟
(همان: ۳۴۴)

بگفت او آن من شد زو مکن یاد بگفت این کی کند بیچاره فرهاد؟
(همان: ۲۳۵)

خسرو خطاب به فرهاد میگوید شیرین متعلق به من است، دیگر به فکر او نباش و از او یاد مکن. فرهاد پاسخ داد که فرهاد بیچاره این کار را نمیتواند انجام دهد.

استفهام اغراقی: در این نوع استفهام، شاعر در توصیف شگفتی و بزرگی موضوع مورد نظر، بیش از حد معمول و مقبول، مطلبی را بیان میکند تا نهایت شگفتی خود را بیان کند. این غرض در خسرو و شیرین ۱۶ مورد (۳/۵۸ درصد) به کار رفته است.

چه یار آن یار کو شیرین‌زبان است مرا صد بار شیرینتر ز جان است
(همان: ۲۵۵)

فرهاد در پاسخ خسرو گفت که شیرین برای من ارزشش صدبار بیشتر از جان میباشد و برایم از جان عزیزتر است. صد بار شیرینتر بودن شیرین از جان، اغراق دارد.

هنوزش آفتاب از ابر پاک است ز ابر و آفتاب او را چه باک است؟
(همان: ۶۹)

شاپور در تعریف و تمجید از خسرو میگوید هنوز آفتاب روی او از ابر خط و ریش پاک است، اما با این جوانی، روز هیجا و کارزار از ابر و آفتاب باکی ندارد.

استفهام ابهامی: در این نوع استفهام گوینده به بیان تردید خود از موضوعی یا سرانجام مبهم آن میپردازد. این غرض در خسرو و شیرین ۱۳ مورد (۲/۹۱ درصد) به کار رفته است.

مگر شه خضر بود و شب سیاهی که در آب حیات افکند ماهی
(همان: ۲۱۶)

شاعر در تردید و ابهام قرار گرفته است و میگوید شاید خسرو در شب زفاف، همانند خضر و شب مانند سیاهی بود.

کدامین ربع را بینی ربیعی کزان بقعه برون ناید بقیعی؟
(همان: ۱۸۰)

ربع به معنی دار و خانه و بقیع به معنی جایی است که درختانش قطع شده و ریشه درختان باقی مانده است؛ یعنی هر ربعی که روزی ربیع و بهاری دارد، دیگر روز خزان و قطع درختان را در پی دارد. استفهام تأسفی-تحسری: این نوع استفهام در واقع جمله‌ای عاطفی است که به شکل سؤال بیان میگردد و شاعر بوسیله آن به بیان غم و تأسف خود از یک وضعیت یا از دست دادن یک مطلوب میپردازد. این غرض در خسرو و شیرین ۱۲ مورد (۶۹ / ۲ درصد) به کار رفته است.

فرومرده چراغ عالم‌افروز چرا روزم نگرده شب بدین روز
(همان: ۲۵۷)

در داستان آگاهی خسرو از رفتن شیرین نزد فرهاد، خسرو میگوید بدین روز که من افتاده‌ام و چراغم فرومرده، چرا روزم شب نمیشود؟

چرا در سنگ‌ریزه کان کنم کان؟ چه بی روغن چراغی جان کنم جان
(همان: ۳۴۷)

سنگ‌ریزه استعاره از فرهاد است. یعنی چرا باید من دل به شوخی بدهم که چون کلاغ بر کلوخ مینشیند؟ من باید با طاووس همسر باشم.

استفهام اعتباری: در این نوع استفهام، هدف گوینده از طرح پرسش، آگاه نمودن مخاطب و پند گرفتن از یک موضوع است و مخاطب را به تفکر و پند گرفتن از اطرافش فرامیخواند. این غرض در خسرو و شیرین ۱۲ مورد (۶۹ / ۲ درصد) به کار رفته است.

بر آن صورت شنیدی کز جوانی جوانمردی چه کرد از مهربانی؟
(همان: ۲۳۷)

شاعر میگوید البته شنیده‌ای که به حکم جوانی و عشق، فرهاد جوانمرد با جان خود در پیش آن صورت چه کرد.

چه داری دوست آن کش وقت مردن به دشمنتر کسی باید سپردن؟
(همان: ۴۲۶)

شاعر میگوید برای چه دنیا را دوست میداری؛ زیرا موقع رفتن و مردن باید زندگی و داروندار خود را رها کنی و با دست خالی بروی. شاعر در این بیت، عبرت گرفتن از مرگ و ناپایداری دنیا را گوشزد کرده است.

استفهام ندامتی: گاهی قصد شاعر از طرح سؤال، بیان ندامت و اندوه اوست. این نوع استفهام، جمله‌ای عاطفی است که در قالب پرسش مطرح شده است و گوینده به کمک آن به بیان پشیمانی، دل شکستگی و شرمساری خود از قصور در انجام وظایف میپردازد که پیامد آن، از دست دادن فرصت یا مطلوبی است. این غرض در خسرو و شیرین ۱۲ مورد (۶۹ / ۲ درصد) به کار رفته است.

چو خود بد کردم از کس چون خروشم خطای خود ز چشم بد چه پوشم؟
(همان: ۲۰۱)

در این بیت شیرین خودش را بخاطر کاری که مرتکب شده، سرزنش میکند.

به رفتن باز میکوشم چه سود است؟ نیابم ره که پیشاهنگ دود است
(همان: ۲۴۷)

فرهاد میگوید من در تلاش برای رفتن هستم؛ ولی فایده‌ای ندارد و چون پیشاهنگ دود است و راه را تیره کرده، من راه نمیایم که به سرمزل مقصود برسم.

استفهام نفی ابد: در این نوع استفهام، هدف شاعر تأکید بر منتفی بودن پیوسته یک موضوع است. در این نوع پرسش استفهامی میتوان در معنی عبارت، قید هرگز را اضافه نمود. این غرض در خسرو و شیرین ۱۱ مورد (۴۶ / ۲ درصد) به کار رفته است.

به جفت مرغ آبی باز کی شد؟ پری با آدمی دمساز کی شد؟
(همان: ۶)

یعنی «باز» هیچ‌وقت جفت مرغابی نمیتواند بشود و پری هم هیچ‌وقت با انسان همدم و مونس نمیشود. مرا عشق از کجا درخورد باشد؟ که بر مویی هزاران درد باشد
(همان: ۲۴۷)

فرهاد میگوید هرگز عشق، سزاوار من نیست؛ زیرا در راه عشق مشکلات و گرفتاریهای بسیاری وجود دارد. **استفهام تعظیمی:** در این نوع استفهام گوینده ضمن بیان تعجب و حیرت خود نسبت به موضوع، به عظمت و بزرگداشت آن موضوع هم اشاره میکند و آن را شایسته تکریم میداند؛ در این نوع استفهام معنی دومی که معمولاً ذهن خواننده و مخاطب را درگیر میسازد، معنی حیرت و شگفتی است؛ چراکه وقتی چیزی در نظر انسان، شایسته تکریم و تعظیم است که از دسترس اندیشه او دور و نیاافتنی باشد. همین مسئله برای او میتواند نوعی حیرت و تعجب را نیز به همراه داشته باشد. این غرض در خسرو و شیرین ۹ مورد (۲/۰۱ درصد) به کار رفته است.

تو را گر دست بالا میپرستم به حکم زبردستی زبردستم
مشو در خون چون من زبردستی چه نقصان کعبه را از بت پرستی؟
(همان: ۳۶۲)

نکیسا از زبان شیرین میگوید اگرچه تو را در قصر خود از بالادست پرستش میکردم، ولی در حقیقت زبردست تو میباشم و همچنین در پی کشتن من نباش؛ زیرا کعبه با بت پرستی مردم هیچگونه نقصانی نمییابد. **استفهام تأکیدی:** در این نوع استفهام، شاعر برای مؤکد ساختن سخن خود و آگاه نمودن طرف خطاب از اهمیت موضوع مورد نظر، منظور خود را در قالب پرسش مطرح میکند. این غرض در خسرو و شیرین ۹ مورد (۲/۰۱ درصد) به کار رفته است.

تم ترسد ز هجران چون نترسد؟ کدامین عاقل از مجنون نترسد؟
(همان: ۳۶۳)

یعنی تم از فراق جانان میترسد و جای دارد. کدام عاقل است که از دیوانه خطرناک نترسد؟ هجران را به دیوانه تشبیه کرده است.

استفهام تیئسی: در این نوع استفهام گوینده در قالب سؤال به ابراز یأس و ناامیدی خود از موضوعی میپردازد که از اختیار او خارج است. این غرض در خسرو و شیرین ۸ مورد (۱/۷۹٪) به کار رفته است.

چو من سوی گلستان رای دارم چه سود از بند زر بر پای دارم؟
(همان: ۱۲۴)

خسرو میگوید اگر بند زر هم به پای من باشد و برای گردش به گلستان بروم، هیچ فایده‌ای برایم ندارد.

استفهام تکتّری: در این نوع استفهام هدف گوینده از سؤال، بیان کثرت، تکرار و دفعات عملی است؛ در شعر معمولاً واژه «چه» و «چند» در قالب جملات پرسشی، معنای کثرت را می‌رساند. این غرض در خسرو و شیرین ۸ مورد (۷۹ / ۱ درصد) به کار رفته است.

جهانا چند ازین بیداد کردن
مرا غمگین و خود را شاد کردن
(همان: ۱۱۰)

ای دنیا تا کی می‌خواهی به من ظلم بکنی؟ و تا کی می‌خواهی مرا غمگین و افسرده و خودت را شاد بگردانی؟
استفهام امری: در این نوع استفهام گوینده بطور غیرمستقیم و مؤدبانه از مخاطب می‌خواهد درخواست او را اجابت کند. این غرض در خسرو و شیرین ۸ مورد (۷۹ / ۱ درصد) به کار رفته است.

چه می‌خوردی که رویت چون بهارست؟
از آن میخور که آنت سازگارست
(همان: ۳۶۴)

یعنی از آن می‌که روی تو را چون بهار برافروخته و خرم ساخته است، دائم میخور که تو را سازگار است.
استفهام تشویقی: در این نوع استفهام گوینده در قالب عبارت پرسشی و بطور غیرمستقیم، سعی دارد انگیزه انجام عملی را در مخاطب ایجاد کند. از اینگونه جملات به نوعی مفهوم طلب نیز دریافت میشود. این غرض در خسرو و شیرین ۷ مورد (۵۶ / ۱ درصد) به کار رفته است.

هوایی معتدل، چون خوش نخندیم؟
تنوری گرم، نان چون درنبدیم؟
(همان: ۱۳۳)

در داستان افسانه گفتن خسرو و شیرین و شاپور، خسرو خطاب به شیرین و دیگر اطرافیانش میگوید الآن که موقعیت برای ما فراهم شده، باید به شادی و خوشی پردازیم.

استفهام ارشادی: در این نوع استفهام، پرسش وسیله‌ای برای ارشاد و راهنمایی مخاطب و اندرز دادن به او است. این غرض در خسرو و شیرین شش مورد (۳۵ / ۱ درصد) به کار رفته است.

به می‌بنشین ز مژگان می‌چه ریزی؟
غمت خیزد گر از غم برنخیزی
(همان: ۲۶۹)

در داستان تعزیت‌نامه شیرین به خسرو در مرگ مریم از راه بادافراه، شیرین به خسرو میگوید که به شادی بنشین و از سر غم برخیز و اشک چون می‌نریز، وگرنه غم بقصد جانت خواهد برخاست.

استفهام تمنایی: در این نوع استفهام، شاعر خواسته و آرزوی خود را مؤدبانه و بطور غیرمستقیم به شکل پرسش بیان میکند و تمنای خود را با ادات پرسشی آیا، ای کاش و کدام به کار میبرد. این غرض در خسرو و شیرین شش مورد (۳۵ / ۱ درصد) به کار رفته است

شفاعت کرد روزی شه به شاپور
که تا کی باشم از دلدار خود دور؟
(همان: ۱۹۸)

در داستان فرستادن خسرو، شاپور را به طلب شیرین، خسرو از شاپور درخواست میکند شیرین را برای من بیاور؛ زیرا من تاب دوری از او را ندارم.

استفهام تأنیسی: در این نوع استفهام، شاعر از جواب پرسش خود آگاه است و هدف از پرسش، باز کردن باب سخن و جلب صمیمیت و اعتماد است. این غرض در خسرو و شیرین شش مورد (۳۵ / ۱ درصد) به کار رفته است.

که چون من هیچ مهمانی رسیدت؟ بدین رغبت کسی در بر کشیدت؟
(همان: ۲۸۳)

خسرو خطاب به شکر اصفهانی میگوید آیا مهمان عزیزی همانند من تا کنون برایت آمده است؛ آیا تا کنون هیچکس همانند من تو را در آغوش گرفته است؟

استفهام توجّهی: در این نوع استفهام غرض گوینده از سؤال، جلب توجّه مخاطب و آگاهی دادن به او درباره نکتہ‌ای است که مغفول اوست. «از شواهد چنین برمی‌آید که نخست، گوینده، پرسش را برای جلب توجه مطرح میکند و سپس بدان پاسخ میدهد» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۱). این غرض در خسرو و شیرین شش مورد (۳۵ / ۱ درصد) به کار رفته است.

مرا باید به چشم، آتش برافروخت؟ به آتش سوختن باید درآموخت
گهی بر نامرادی بیم کردن گهی مردانگی تعلیم کردن؟
(خسرو و شیرین: ۱۵۷)

خسرو به شیرین میگوید آیا تو را سزاوار است که چنین در پیش چشم من آتش افروز شده و مرا که خود آتش سوزنده‌ام سوختن بیاموزی و چون منی را گاهی از نامرادی بترسانی و گاهی مردانگی تعلیم کنی؟

استفهام استرحامی: استرحام به معنی طلب رحم و شفقت کردن میباشد و شاعر با بیان اینگونه سؤالات، عواطف و احساسات خواننده را نسبت به موضوع مورد بحث برمی‌انگیزد. در این نوع استفهام، جمله‌ای عاطفی بیان میشود که گوینده به شکل یک سؤال به بیان درد و رنج و وضعیت خود میپردازد تا طرف خطاب را به توجّه و ترحم به خود ترغیب نماید. این غرض در خسرو و شیرین پنج مورد (۱۲ / ۱ درصد) به کار رفته است.

بیاساید همه شب مرغ و ماهی نیاسایم من از جانم چه خواهی؟
منم چون مرغ در دامی گرفته دری در بسته و بامی گرفته
(همان: ۳۰۹)

شیرین در پاسخ به خسرو میگوید تمام موجودات شب به استراحت میپردازند، ولی من آرام و قرار ندارم، دست از سر من بردار، چه از جان من میخواهی؟

تو با تریاک و من با زهر جانسوز تو را آن روز وانگه من بدین روز
به ترک بیدلی گفتن دلت داد؟ زهی رحمت که رحمت بر دلت باد
(همان: ۳۶۵)

در این ابیات، نکیسا از زبان شیرین خطاب به خسرو میگوید که تو با پادزهر بودی و من با زهر جانسوز هستم و تو روزگار خوب و خوشی داری، ولی من به سیه‌روزی و فلاکت دچار شده‌ام. آیا دلت راضی شد که معشوق زیبارویی همانند من را ترک و رها بکنی؟

استفهام استبعادی: استبعاد در لغت به معنی دور بودن است. گوینده بلیغ گاهی بعید بودن امری را با استفهام بیان میکند. در استفهام استبعادی، شاعر برای تأکید بر منافات و بعید بودن دو امر متضاد از نظر خود، از پرسش بهره میبرد. در استبعاد، بجای مسافت یا فاصله مکانی، بیشتر معنا مورد نظر است. این غرض در خسرو و شیرین پنج مورد (۱۲ / ۱ درصد) به کار رفته است.

نه عشق این شهوتی باشد هوایی کجا عشق و تو؟ ای فارغ کجایی؟
(همان: ۳۲۲)

شیرین در پاسخ به خسرو میگوید عشق، کاری از روی هوا و هوس و شهوت نیست؛ عشق ورزی از فردی همچون تو بعید است و کسی که عاشق است، فارغ از غم و گرفتاری نمیباشد.

سپهری کی فرود آید به چاهی؟ کجا گنجد بهستی در گیاهی؟
(همان: ۳۶۹)

شیرین خطاب به خسرو میگوید اگر من تو را در خانه خود راه ندادم، به این علت است که تو همچون آسمان بزرگ هستی و خانه من مانند چاه کوچکی است و گنجاش عظمت و بزرگی تو را ندارد.

استفهام استرشادی: در این نوع استفهام، گوینده ضمن بیان سردرگمی خود در موضوعی یا درماندگی در برخورد با آن، از مخاطب طلب چاره و راهنمایی میکند. این غرض در خسرو و شیرین چهار مورد (۰/۸۹ درصد) به کار رفته است.

به پرسش گفت با پیران هشیار چه باید ساختن تدبیر این کار؟
(همان: ۲۵۴)

خسرو بعد از آگاهی از رفتن شیرین به نزد فرهاد، از یاران و نزدیکان خود طلب ارشاد و راهنمایی میکند و میگوید که در این امر چه تدبیری باید بیندیشم و به کار ببرم؟

به روزی چند با این سست رختی بدین سختی چه باید کرد سختی؟
(همان: ۳۷۴)

نکیسا از زبان شیرین خطاب به خسرو میگوید با این روز و روزگار بی بنیاد، به این درجه نباید سختگیری کرد و بدین عمر پنجاه ساله، نشاید چندین گره غم بر دل زد.

استفهام تسلیمی: در این نوع استفهام غرض گوینده از سؤال، بیان رضایت و تسلیم خود در برابر تقدیر، معشوق و مخاطب است. این غرض در خسرو و شیرین سه مورد (۰/۶۷ درصد) به کار رفته است.

مرا دیگر ز کشتن کی بود بیم؟ که جان کردم به شمشیر تو تسلیم
(همان: ۳۱۵)

شیرین در جواب خسرو میگوید من دیگر از تهدیدهای تو هیچگونه بیمی ندارم و نمیترسم؛ زیرا در برابر شمشیر تو تسلیم شده‌ام.

استفهام تسویه: در این نوع استفهام گوینده بین وجود و عدم وجود موضوعی، تسویه قائل میشود. این غرض در خسرو و شیرین سه مورد (۰/۶۷ درصد) به کار رفته است.

و گر گوید نهم رخ بر رخ ماه بگو با رخ برابر چون شود شاه؟
(همان: ۲۰۹)

در داستان عتاب کردن شیرین به شاپور، شیرین میگوید اگر خسرو گفت که من صورت خود را بر صورت شیرین میگذارم، تو بگو هیچ وقت این امر برای تو میسر نمیشود که به وصال من برسی و به چنین آرزویی دست یابی.

استفهام استبطایی: از دیگر اغراض ثانویه‌ای که در کتب بلاغی از آن یاد شده، بیان انتظار و بیتابی است. در این نوع استفهام شاعر به بیان بیتابی و انتظار ملال آور خود در برابر کنده برآورده شدن آمال و آرزوها میپردازد. شاعر در این شیوه، برای اینکه بیتابی و انتظار خود را نشان دهد، آن را به شکل پرسش بیان میکند. این غرض در خسرو و شیرین سه مورد (۰/۶۷ درصد) به کار رفته است.

پریده از چمن کبک بهاری چرا چون ابر نخروشم به زاری؟
فرومرده چراغ عالم‌افروز چرا روزم نگرده شب بدین روز؟
(همان: ۲۵۷)

خسرو میگوید، کبک بهاری (شیرین) از من دور شده و رفته است و من همانند ابر بهاری اشک میریزم و بدین روز که من افتاده‌ام و چراغم فرومرده، چرا روزم شب نشود؟

چه پنداری که خواهم خفت ازین پس به ترک خواب خواهم گفت ازین پس؟
(همان: ۱۵۷)

زمانی که خسرو از پیش شیرین رفت، خطاب به شیرین گفت خیال میکنی حالا که من از تو دور شدم، آرامش و آسایش دارم؟ نه هرگز آرامش و آسایش نخواهم داشت.

استفهام استمالتی: در این نوع استفهام، گوینده ضمن بیان سختیها یا درد و رنجی که خود یا مخاطب به آن گرفتار شده‌اند، قصد بشارت دادن و امیدوار کردن و دلجویی از خود یا مخاطب را دارد. این غرض در خسرو و شیرین سه مورد (۰/۶۷ درصد) به کار رفته است.

عروس شاه اگر در زیر خاک است عروسان دگر دارد چه باک است؟
(همان: ۲۶۹)

شیرین در تعزیت‌نامه خود به خسرو در مرگ مریم، با مسخره کردن خسرو میگوید اگر مریم امروز مرده است و در زیر خاک دفن شده، اصلاً ناراحت نباش؛ زیرا پادشاه عروسان بهتری دارد.

چو ما را قند و شکر در دهان هست به خوزستان چه باید در زدن دست
(همان: ۱۵۱)

شیرین در پاسخ خسرو میگوید آن که من و تو در خوشی و شادی به سر میبریم و زندگی خوب و خوشی داریم و از قند بوسه برخوردار میباشیم، فکر ازدواج با شکر را از سر خود بیرون کن و از عشق‌ورزی به شکر صرف نظر کن.

استفهام تحذیری: در این نوع استفهام، گوینده برای اینکه تأثیر کلام خود را در مخاطب بیشتر کند و خطری را به او هشدار دهد تا او را از کاری بازدارد، از سؤال بهره میگیرد؛ به عبارت دیگر، این نوع سؤال در معنای نهی است، اما توأم با ترساندن است. این غرض در خسرو و شیرین دو مورد (۰/۴۴ درصد) به کار رفته است.

وفا مردی است بر زن چون توان بست؟ چو زن گفתי بشوی از مردمی دست
(همان: ۱۹۷)

در داستان شفاعت کردن خسرو پیش مریم از شیرین، خسرو میگوید وفاداری نشانه مردی است و این صفت در ذات زنان نمیباشد.

چه باید طبع را بدرام کردن دو نیکونام را بدنام کردن؟
(همان: ۱۹۷)

شیرین خطاب به خسرو میگوید نباید طبع و سرشت خود را بدنام بکنی؛ زیرا این کار سبب بدنامی دو فرد نیکونام خواهد شد.

استفهام تقریری: کلام در استفهام تقریری برخلاف استفهام انکاری است. به همین دلیل جمله ایجابیه به آن عطف میشود. به مطلب مورد اقرار، مقرباً میگویند. شاعر با بیان پرسش به تأکید گفته خود میپردازد و بر اهمیت

آن میفزاید. در شعر نظامی تقریر بیشتر معنای ضمنی اقرار و تأیید مخاطب را به همراه دارد. این غرض در خسرو و شیرین دو مورد (۰/۴۴ درصد) به کار رفته است.

کسادی چون کشم گوهرنژادم نخوانده چون روم آخر نه بادم؟
(همان: ۲۶)

شیرین در عتاب به شاپور میگوید من گوهرنژاد هستم و هیچ وقت خواری و ذلت تحمل نمیکنم و بدون دعوت به جایی نمیروم؛ زیرا برای خود ارزش قائل هستم.

به ترک لؤلؤ تر چون توان گفت؟ که لؤلؤ را به تری به توان سفت
(همان: ۱۴۳)

خسرو خطاب به شیرین میگوید نمیتوان از لؤلؤی تر و گرانبها چشم پوشی کرد؛ زیرا آن را براحتی میتوان سفت. استفهام استهزایی: در این نوع استفهام، هدف شاعر با لحنی طنزآمیز، مسخره کردن و طعنه زدن به مخاطب است. این غرض در خسرو و شیرین دو مورد (۰/۴۴ درصد) به کار رفته است. نظامی در بیت زیر بخوبی از این نوع سؤال بهره جسته است:

فلک در طالعم شیری نموده است ولیکن شیر پشمینم چه سود است؟
(همان: ۳۸)

یعنی اینکه مرا شیر خوانده و گفתי پنجه بگشای، بجاست ولی من شیر بیشه نیستم، مجسمه شیری هستم که از پشم ساخته‌اند و هنر شیر در من نیست.

نظامی چون مسیحا شو طرفدار جهان بگذار بر مشتی علفخوار
علفخواری کنی و خرسواری پس آنگه نزل عیسی چشم داری؟
چو خر تا زنده باشی بار میکش که باشد گوشت خر در زندگی خوش
(همان: ۱۱۰)

در ابیات فوق، نظامی خطاب به خود میگوید گوشه‌نشینی را انتخاب کن و از مردم دوری گزین و دنیا را به اهل آن واگذار؛ زیرا نمیتوانی در این دنیا به مادیات چشم طمع بورزی و از طرف دیگر مقام و شوکت عیسی را طلب کنی. همانند خر تا زمانی که زنده هستی در این دنیا تلاش و کوشش بکن؛ زیرا گوشت اندام خر در زندگی برای بار کشیدن خوش است و بعد از مردن هیچ ارزشی ندارد.

نتیجه‌گیری

با تکیه بر بررسیهای انجام شده در مورد تصاویر منظومه خسرو و شیرین، میتوان اینگونه عنوان کرد که در نوع غنایی این داستان، تصاویر از شفافیت کمتری برخوردارند و در سایه روشن قرار گرفته‌اند و منطبق با «عاطفه و احساس» میباشند؛ بگونه‌ای که قلمرو مبدأ در آنها عموماً انتزاعی است؛ برای ایجاد تأثیر و احساس شکل گرفته‌اند؛ تعبیرگر هستند؛ دریافتهای درونی شاعر را از محیط به نمایش میگذارند و بر شخصیت بیرونی و درونی قهرمانان داستان تکیه دارند و در برداشتی کلی، در نمایش حالات و احساسات بگونه‌ای تأثیرگذار هستند. در این پژوهش، پرسشهای بلاغی در خسرو و شیرین، مورد بررسی قرار گرفت. در بلاغت فارسی، شاخصه‌هایی گویا و مطمئن برای جدا کردن اغراض ثانوی جملات پرسشی بیان نشده است تا خواننده به کمک آن مؤلفه‌ها دقیقاً

اغراض و اهداف را از هم تشخیص دهد و نیز اقتضای مقام و غرض خواننده و شنونده در انتقال و دریافت اغراض ثانوی سؤال‌کننده بسیار مؤثر است و اکثر جملات استفهامی دارای اغراض ثانوی متعددی هستند. از مجموع ۴۴۶ جمله‌ای که در خسرو و شیرین به شکل پرسش به کار رفته، پرکاربردترین جملات، جمله استفهام انکاری ۳۳ مورد (۷/۴۶)، تحیری، تعجیزی، اعجابی و توبیخی هرکدام ۳۱ مورد (۶/۹۵) درصد) به کار رفته است. دوازده ادات پرسش در جملات پرسشی خسرو و شیرین، به کار رفته است. «چه»، بیشترین ادات پرسشی و «که» کمترین ادات پرسشی است. نظامی در شعر خود از تمام شگردها و قابلیت‌های زبانی در ساختار علم معانی بخوبی استفاده کرده و سخن خود را بگونه‌ای به این فن آراسته است. همچنین استفاده بهینه از علم معانی، باعث ماندگاری و تأثیرگذاری کلام و دل‌انگیزی سخن وی شده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار استخراج شده است. سرکار خانم دکتر پوران یوسفی‌پور کرمانی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم شیرین فرامرزی‌پور بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر حمید طبسی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Agha Hosseini, Hossein and Barati, Mahmoud. (2010). "The importance of questions in mystical texts". *Kavosh Nameh Journal*, NO.22, pp.131-160.
- Hashemi, Ahmad. (2010). *Javaher al-Balagheh*, translated by Hassan Irfan, Qom: Balaghat.

- Homaei, Jalaluddin. (1996). Meanings and expressions, by the effort of Mahdekht Banoo Homaei, Tehran: Homa.
- Kazazi, Mirjalaluddin. (2007). Manani wa Bayan, Tehran: Mad book.
- Miranian, Ali. (2019). Examining the secondary meanings of interrogative sentences of the third and fourth books of Masnavi, master's thesis, Imam Khomeini International University.
- Mirhashmi, Seyed Morteza et al. (2018). "Investigation of the role of rhetorical methods of persuasion in creating suspense in Khosrow and Shirin Nizami", *biannual journal of Persian language and literature*, No.89, pp.279-303.
- Mortazaei, Khadije & et al. (2018). "Research and analysis of two archetypes of anima and animus in the stories of Khosrow and Shirin and Laili and Majnoon", *Scientific Quarterly of Tafsir and Analysis of Persian Language and Literature Texts* (Dekhoda), No52, pp.436-466.
- Nizami Ganjavi, Elias ibn Yusuf. (2000). Khosrow and Shirin, corrections and footnotes by Hasan Vahid Dastgardi, with the efforts of Saeed Hamedian, Tehran: Qatre.
- Rajaei, Mohammad Khalil. (2012). Ma'alem al-balaghe, Shiraz: Shiraz University.
- Rezanjad (Noshin), Abdul Hossein. (1989). Principles of Rhetoric in Persian Language, Qom: Al-Zahra.
- Safa, Zabihullah. (1985). History of Iranian Literature, Volume 3, Tehran: Asatir.
- Zanjani, Barat. (1999). Sovar khiyal in Khamse Nizami, Tehran: AmirKabir.

فهرست منابع فارسی

- آقاحسینی، حسین و براتی، محمود. (۱۳۹۰). «اهمیت پرسش در متون عرفانی». مجله کاوشنامه. شماره ۲۲، صص ۱۳۱-۱۶۰.
- رجایی، محمدخلیل. (۱۳۹۲). معالم البلاغه. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- رضانژاد (نوشین). عبدالحسین. (۱۳۶۷). اصول علم بلاغت در زبان فارسی. قم: الزهرا.
- زنجانی، برات. (۱۳۷۷). صور خیال در خمسه نظامی. تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). تاریخ ادبیات ایران. ج ۳. تهران: اساطیر.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۵). معانی و بیان. تهران: کتاب‌ماد.
- مرتضایی، خدیجه و همکاران (۱۳۹۸). «بررسی و تحلیل دو کهن‌الگوی آنیما و آنیموس در داستانهای خسرو و شیرین و لیلی و مجنون». فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا). شماره ۵۲، صص ۴۳۶-۴۶۶.
- میرانیان، علی. (۱۳۹۹). «بررسی معانی ثانوی جملات استفهامی دفتر سوم و چهارم مثنوی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- میرهاشمی، سیدمرتضی و همکاران. (۱۳۹۸). «بررسی نقش شیوه‌های بلاغی اقناع در ایجاد تعلیق در خسرو و شیرین نظامی». دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۸۹، صص ۲۷۹-۳۰۳.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۸). خسرو و شیرین. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.

هاشمی، احمد. (۱۳۸۸). جواهر البلاغه. ترجمه حسن عرفان. قم: بلاغت.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۴). معانی و بیان. به کوشش ماهدخت بانو همایی. تهران: هما.

معرفی نویسندگان

شیرین فرامرزپور: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران.
(Email: shirinfamarzpour@yahoo.com)

پوران یوسفی‌پور کرمانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران.
(Email: Pooran.yusefipoor@yahoo.com : نویسنده مسئول)

حمید طبسی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.
(Email: h.tabasi49@iauji.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Shirin Famarzpour: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Anar Branch, Islamic Azad University, Anar, Iran.
(Email: shirinfamarzpour@yahoo.com)

Pooran Yousefipoor Kermani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Anar Branch, Islamic Azad University, Anar, Iran.
(Email: Pooran.yusefipoor@yahoo.com : Responsible author)

Hamid Tabasi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.
(Email: h.tabasi49@iauji.ac.ir)